

### نامه‌های رسیده به سردبیر

اشاره: هم‌روزه پیام‌های فراوان از انبوهی از خوانندگان ماهنامه‌ی حافظ با تلفن و فاکس و نامه به ما می‌رسد. شرمندیم که به دلیل کثرت نامه‌های رسیده، اعلام وصول نامه‌ها و پاسخ‌گویی به آن‌ها مقدورمان نیست. اما به شما اطمینان می‌دهیم که همه‌ی این نامه‌ها را می‌خوانیم و به نوبت قسمت‌هایی از نامه‌های خوانندگان فرهنگمند خود را که حاوی پیامی خواندنی باشد، در این بخش چاپ می‌کنیم.

#### حجت حیدری



سرور محترم جناب آقای پرفسور حسن امین سلمه الله تعالی:

پس از تبلیغ عرض سلام و با کمال احترام، مجله‌ی شماره‌ی ۸ حافظ را دریافت داشتم، روی جلد مجله نام این بنده محمدجواد بن محمدرضا، به‌صورت دکتر محمدرضا شریعت چاپ شده بود، بالای نام من نام دوست عزیزم و هم‌سفر چین‌ام آقای دکتر غلامرضا ستوده (که با هم فرهنگ فارسی - چینی را به کمک استادان چینی تألیف کرده‌ایم) و پایین نام من، نام سرور محترم دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی قرار رفته بود و گویا این دو نام بر نام «محمدجواد» اثر گذاشته بود و بنده را به ارتکاب ابیات زیر واداشت:

روی جلد مجله‌ی حافظ

دو رضا نام من رضا کردند  
بر فراز و فرود نام حقیر  
جلوه‌گر نام این دو را کردند  
من جوادم رضا شدم به قضا  
دیگران گرچه این خطا کردند  
پدرم را خدا بیامرزاد  
نام او را نثار ما کردند  
سرور من امین خطا نکند  
دستیاران او چرا کردند؟

#### دکتر محمدجواد شریعت

اصفهان، ۸۳/۸/۱۲

• از این‌که نام استاد را در روی مجله به‌اشتباه چاپ کرده‌ایم، پوزش می‌طلبیم.



این جانب صغری دیوسالار، کارشناس ارشد ادبیات فارسی جسارتی نموده و در کنار همکاران دانشمند ماهنامه‌ی وزین حافظ

دست به قلم آورده و گوشه‌یی از فعالیت‌های کوچک پژوهشی خود را تقدیم کردم. شما در شماره‌ی هفتم، با چاپ مقاله‌یی تحت عنوان «بررسی ارتباط اسطوره و حسیت در شعر سهراب» بر من منت نهادید... برحسب ادای دین نسبت به خوانندگان، اشتباهات تایپی را به عرض می‌رسانم.

با کمال تشکر و سپاس مجدد از اعتماد و التفات شما به این جانب، خواهشمندم برای دلگرمی در امر تداوم همکاری، نسبت به درج این پوزش‌نامه خدمت خوانندگان عزیز در شماره‌ی بعد اقدام بفرمایید.

۱- در بیان اشتراک بین هایکوه‌های ژاپنی و شعر سهراب در صفحه‌ی ۳۹، شعر سهراب، [کفش‌هایم کو؟ چه کسی بود، صدا زد سهراب؟...] حذف شده، که بیان آن به‌علت بیان اشتراک الزامی است.

۲- در ستون دوم از همین صفحه، عبارت «در نگاه اول» صحیح می‌باشد که به غلط «در نگاه اولب» چاپ شد.

۳- در صفحه‌ی ۴۰، در ستون دوم این صفحه، پاراگراف دوم به‌جای «دسته‌ی دوم» - «دسته‌یی» چاپ شد که لازم به تصحیح می‌باشد. در صفحه‌ی ۴۱ نیز، ماقبل پاراگراف آخر، کلمه‌ی «یا» اضافی است.

۴- و در نهایت این‌که در صفحه‌ی ۴۲، بعد از شعر سهراب، بعد از عبارت «بازیگوشی در دنیای شعر»، جمله تمام شده و کلمه‌ی بعد «حسیت» است که «چیست» تایپ شد.

#### صغری دیوسالار

مازندران، نور، ۸۳/۷/۲۳

• متأسفانه، بلای اغلاط چاپی در کار کتاب و مجله جزء لاینفک مالکیت ادبی است. از شما و دیگر همکاران پوزش می‌خواهیم. شاید در یک مقاله‌ی بلند ۵ صفحه‌ای، ۵ خطای چاپی در این زمانه قابل گذشت باشد؛ اما همیشه هر اشتباهی را که مغیر معنا باشد، تصحیح خواهیم کرد.



با انتشار ماهنامه‌ی حافظ، دری بدون دربان و پرده‌دار، به روی اندیشمندان ایران‌پژوه و وارسته گشودید و خوانی گران آراسته با گزیده‌ترین تغذی روحی پیش‌روشان گستردید، نسل جوان ما را که آرمان دارم هویت‌خواه باشند، نه تاریخ‌گریز، فراخواندید تا بر این گسترده خوان کاستی‌ناپذیر فراهم

آیند و با کلانسالان صاحب کمال و خامان پیر و باری به هر جهتی و نونهالان کاوش‌گر و تشنه‌ی فراگیری، در یک خط بنشینند و بگویند، راستی‌ها را بکاوند و دریابند و نادرستی‌ها را بشکافند و ریشه‌کن سازند، و این خدمتی‌ست فراموش‌نشدنی و خستگی‌ناپذیر که خواهانم پاداش معنوی کلانی بهره‌تان نماید.

ماهنامه‌ی حافظ را که هم‌راه ماندنی چون نام حافظ نکته‌سنج بود و خواهد بود، خواندم و جان را تری و تازگی بخشیدم، به جاودانگی و بی‌گزند پایید.

#### فریدون نوزاد

سردبیر «گیلان ما»، رشت، ۸۳/۷/۱۲

• از شما و جناب دکتر محمدعلی فائق که «گیلان ما» را به جامعه‌ی فرهنگی گیلان ارمغان می‌کنید، سپاسگزاریم. شما خود در این راه خطیر با ما هم‌قدم‌اید.



بنده کوچک‌تر از آنم که در مورد این ماهنامه‌ی وزین و پرمحتوا نظری دهم، اما این مجله آن‌قدر غنی و ارزنده و پربار است که سزاوار خالصانه‌ترین دست‌مریزادها و سپاس‌مندی‌ها خدمت استاد بزرگ و فرزانه‌ی کشور جناب پروفیسور سیدحسن امین و دیگر دست‌اندرکاران این مجله‌ی پربار و وزین حافظ می‌باشد.

بسیار خرسندم که با این مجله آشنا شدم، مجله‌یی که هدفش حفاظت از فرهنگ، ادب و تاریخ این مملکت است. پس باید کوشید تا این مجله، به جاودانگی تاریخ و ادب و فرهنگ ایران بزرگ، همیشه برقرار و سرفراز بماند، ان‌شاءالله.

این‌جانب با خضوع تمام وظیفه‌ی خود می‌دانم به‌عنوان عضو کوچکی از خوانندگان این مجله، برای ماندگاری حافظ عزیز با تمام وجود بکوشم، اشعارم نیز در خدمت این مجله می‌باشد، امیدوارم مانند گذشته بپذیرید. با تقدیم وجه اشتراک، لطفاً از شماره‌ی هشتم این مجله به بعد، ماهانه به آدرس حقیر ارسال فرمایید.

زینب ممبینی - خوزستان، هفتگل

• با سپاس، شعر شما را جناب حسین آهی که صفحه‌ی شعر مجله زیر نظر ایشان است، چاپ کرده‌اند.



ضمن عرض سلام و درود فراوان خدمت شما استاد فرهیخته و دانشمند گرامی، جناب پروفیسور سیدحسن امین و با آرزوی موفقیت برای تداوم راه نشریه‌ی گرانمایه‌ی شما که واقعاً چنین نشریه‌ی در لابه‌لای نشریه‌های بی‌محتوا و تبلیغاتی و تفتنی که امروز در جامعه‌ی ما ایران فراوان است، لازم و ضروری است.

امید است شاهد تداوم و موفقیت روزافزون **ماهنامه‌ی حافظ** در همه‌ی ابعاد فرهنگی، تاریخی، ملی و سیاسی ایران‌زمین بوده باشیم و بتوانیم با عضویت در اشتراکی ناقابل، این نشریه را یاری نماییم. این جانب به‌عنوان خواننده‌ی حقیر این ماهنامه، می‌خواستم پیشنهاد و شاید تقاضایی عاجزانه از شما کرده باشم که هشتم مهرماه مصادف با بزرگداشت بزرگ‌ترین عارف و متفکر و شاعر... مولوی... بود... چرا شما از بزرگداشت تولد مولانا به‌راحتی گذشتید؟

### عبدالرضا جلیلیان

شوش دانیال، ۱۳/۸/۱۳۸۳



از این که پس از سال‌ها، مجله‌ی این چنین به‌چاپ رسیده، بسیار خوشحال شدیم. همه‌ی کارمندان دفترخانه‌ی ۱۴۷ اصفهان با آغوش باز پذیرای **حافظ** شما شدند. ما را از این پس همراه و هم‌دل خود بدانید. از این پیش‌تر انسی با نسل فردا داشتیم. به پیوست این نامه، وجه اشتراک و چند شعر، تقدیم می‌دارم. داستانهایی نیز در نامه‌های بعد، خواهیم فرستاد که صدالبته نه شعرها و نه داستان‌ها تا به حال برای هیچ مجله‌ی نفرستاده و نخواهم فرستاد. برگ‌های پراکنده‌ی از سال‌های ۷۵ تا کنون در لابه‌لای دفتر و سررسیده‌ها به یادگار دارم. نظم و نسقی در کارم نیست و گاه این برگ‌ها گم شده‌اند و گاه پیدا. این نیز بگویم اکثر شعرها همان‌گونه که آمده‌اند، همان‌گونه باقی مانده و همان‌گونه برای شما ارسال می‌دارم، نقد و بررسی آن با شما.

اصفهان، ۱۲/۸/۱۳۸۳

● **با سپاس بسیار، اشعار شما را به مسؤول صفحه‌ی شعر سپردیم.**



حقیقت بنده که در سن ۵۳ سالگی بودم، فکر می‌کردم دیگر مُرده‌ام یا در شرف مرگ می‌باشم و دیگر مجلات و روزنامه‌ها را نمی‌فهمم! ولی وقتی مجله‌ی شما به دستم رسید، با خواندن مطالب آن احساس زنده‌بودن کردم... ان‌شاءالله چندین مشترک جدید معرفی خواهم نمود. برای اشتراک مجله اقدام نمودم.

ضمناً درباره‌ی مقالاتی که درباره‌ی حافظ مرقوم فرموده بودند و شما هم مقاله‌ی نوشته بودید و بنده تقالی با حافظ گرفتم در مورد شما فرمودند که: «زان یار دلنوازم شکری‌ست با شکایت».

خداوند به شما جزای خیر عنایت فرماید. بار دیگر بسیاربسیار تشکر می‌کنم و از خداوند مهربان پیروزی و موفقیت شما را آرزومندم.

### رحمت‌الله انواری نائینی - نائین



**ماهنامه‌ی حافظ** برای جمع حدوداً یک‌صد و پنجاه نفری اعضای انجمن که روزبه‌روز بیش‌تر می‌شوند، بسیار جالب و مورد توجه قرار گرفت و در کمیته‌های مختلف انجمن از مطالب آن استفاده‌ی لازم برده شد، لذا از مسؤول محترم خواهشمند است در صورت اقتضا و برای مساعدت به این تشکّل غیردولتی (با مجوز رسمی سازمان ملی جوانان) در زمینه‌های مختلف در صورت امکان تان یاری فرمایید و اگر نیز امکان ارسال ماهنامه‌ی شما برای انجمن ما می‌باشد، (حداقل یک جلد) به رایگان به ما هدیه کنید که مایل به استفاده‌ی مجدد از آن از صمیم قلب هستیم.

از مکاتبه با شما و ارائه‌ی راهکارهای علمی برای کمیته‌های انجمن بسیار خوشحال خواهیم شد. منتظر پاسخ بهترتان هستیم.

### انجمن اشراق اندیشه - دبیر انجمن

کتابخانه‌ی عمومی شهدای سلطان‌آباد



با درود به شما و سپاس از تلاش‌های پیوسته‌ی فرهنگی و پژوهش‌های ارزشمندتان در ماهنامه‌ی گرانسنگ **حافظ**، به این وسیله به آگاهی می‌رساند: به‌دنبال دومین دوره‌ی «مسابقه‌ی کتاب‌خوانی کانون گسترش فرهنگ ایران بزرگ» و

احراز رتبه‌ی نخست این مسابقه توسط سرکار خانم زهره زمانی، اشتراک یک سال ماهنامه‌ی **حافظ** به‌عنوان جایزه‌ی ارزشمند به ایشان تقدیم شد. لذا خواهشمند است از **حافظ** شماره‌ی ۷ به مدت یک‌سال به نشانی ایشان ارسال گردد. در ضمن حواله‌ی بانکی به پیوست می‌باشد.

### دکتر شاهین سپینتا - اصفهان

● **از این اقدام خیر شما سپاسگزاریم. امیدواریم دیگر فرهنگ‌پروران نیز به شما تأسی کنند و به‌جای هدیه‌های معمول و شاخه گل و شیرینی، اشتراک یک‌ساله‌ی ماهنامه‌ی «حافظ» را به برندگان مسابقات فرهنگی یا به عزیزان خود ارمغان کنند.**



به گیتی نام ایران جاودان باد همیشه خاک پاکش در امان باد مهندس عزیزم، وجیزه‌ی آن عزیز عزّ و وصول بخشید. چهارمین شماره‌ی **حافظ** توسط دوستی به مخلص هدیه شد. چشم روشن و دلم امیدوار شد.

در میان تیره‌گی‌های شب دیجور هم گاه‌گاهی اختری باشد که باشد نور هم صاحبان اندیشه و قلم که به این مُلک عشق می‌ورزند را گرد آورده‌اید. درودتان باد.

در دفتر زمانه، فتد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب‌قلم نداشت نام مجله زیبا و پُر معنی و ان‌شاءالله مبارک است. خیلی مسؤولیت به گردن گرفته‌اید. پژوهشی، ادبی، سیاسی و...

می‌دانم که جریده وزین و ماندگار خواهد شد و نیز می‌دانم که عمرش کوتاه خواهد بود... استدعایی چند دارم:

الف - حضرات اساتید بزرگواری چون باستانی‌پاریزی و اسلامی‌ندوشن را فراموش نکنید.

ب - آن شیر پیر رند آزاده را هم فراموش نکنید. هم‌آن که بعد از قائم‌مقام اول و دوم و امیر بزرگ و مصدق کبیر نامش به‌دنبال می‌آید: «بازرگان».

ج - خاطرات دکتر ابراهیم یزدی (آن هم بدون سانسور) در زمان انقلاب و مسؤولیتش خوانندگان زیادی خواهد داشت.

### امامقلی شجاعی بختیاری

شهرکرد، ۷/۸/۱۳۸۳